رهبران وقوماندانان نزد خدا مسؤل نخواهند بود ؟
آیا آن قهرمانی راکه نصیب افغانی ها شده است آنرا به باد فنا نخواهند برد ؟ وبالاخره به عوض اینکه شهامت وقهرمانی ازایشان درج تاریخ گردد برعکس نداشتن استعداد تشیکل اداره وهمه اعمال وکردار شان درج تاریخ نخواهند شد. میبایست ملت ما این روز را روزی پیروزی مجاهدین علیه کمونیزم جهانخوار، مسلمانان جهان روزی پیروزی اسلام برکفر، کشورهای آزاد جهان روزی شکست مارکسیزم ولینینیزم،کشورهای اروپای شرقی روزی آزادی شان ازحاکمیت استبداد وبرده گی کشور استعمارگر وجهان بشریت به حیث روزی پیروزی حق برباطل وعدالت برظلم تجلیل مینمودند.
واقعاً نتیجه جهاد شما نقطه چرخش تاریخ برای بشریت بود ومی باید ازطرف تمام ملل جهان از آن تجلیل به عمل میآمد.
زیرا درنتیجه جهاد شما بشریت ازخطر جنگ نابود کننده اتومی نجات یافت قوت ،باز وایمان راسخ شما بود که این راه رابرای ایشان بازکرد. از مصارف کمر شکن مسابقات تسلیحاتی وجنگ بسوی تعاون و دوستی سوق وازسنگینی بارتسلیحات رهانید. وراه را برای بطلان ایدلویوژی مارکسیزم ولینینیزم مساعد گردانید.
هدف ازتلاش های دشمنان دراین بوده است تا ازیك طرف جهاد چارده ساله ونقش سازنده آنرا دربیداری سایری تحریك های اسلامی به باد فنا برند وآنرا دراذهان شان طوری دیگری (نمونه یی ازحرکت های اسلامی) جلوه گر سازند وازجانب هم ازتشکیل یك حکومت

وسیع اسلامی جلوگیری نمایند دشمنان باچنین رفتار شان خواستن تا ظلم، استبداد ووحشت انگیزهای راکه قبلاً بالای ملت ما آورده بودند ازذهنیت شان کشیده درعوض عملی را که بعد از آمدن مجاهدین برسر شان گذشت جاگزین سازند ازهمین جهت است که مزدوران حلقه بگوش شان از داخل وخارج کشور فریاد برمی آرند که جنگ بس است جنگ های بیست ساله ملت ما را تیاه ساخت حال نام ازتشکیل گروه های تازه دم می زنند.

از ایشان می پرسیم:

قبلاً هم همین شما ها بودید آیا این را درك نکرده بودید که :

- ما کی هستیم؟

-چرا خلق شدیم؟

-به خاطر چه خلق شدیم؟

-درکدام جامعه خلق شدیم؟

-چطور از آب وهوای جامعه استفاده نمودیم؟

- درعوض چه به آن بدهیم؟

-چه را باخود تحفه آورده ایم؟

-وچه را باخود تحفه میبریم؟

ازجانب هم ظلم وستم ازهرکسی که سر بزند خود محکوم است کسیکه خود محکوم باشد باوجدان نارام وخجل اش دربرابر ملت چطور به خود حق میدهد که باچنان تاریخچه شان داد از ملت بزنند. به هرحال تازمانیکه شرایط برای تشکیل حکومت قانونی

مورد قبول اکثریت ملت بوجود نیاید ومسؤلین قدرت پیشبرد آنرا نداشته باشند ونتوانند برقلمرو حاکمیت برقرار نمایند وبه مقررات وتعهدات بین المللی ومنشور ملل متحد متعهد نگردند وآن حکومت را همسایگان وسایر ممالك جهان برسمیت نشاسند جنگ درکشور ما ختم شدنی نیست.

برای تشکیل حکومت وجلوگیری از پراگنده گی های نظامی واداری مجبور هستیم که منافع ملت ومنطقه را مدنظر گیریم. زیرا کشور های منطقه درمورد کشور ما ستراتیژی واهداف خاصی دارند.

بناً وقتیکه کشورهای مغرض ودشمنان اسلام نمی خواهند که استقلال ، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی ووحدت ملی ما تأمین گردد ودارای یك حکومت مرکزی نیرومند باشیم برهمه ما واجب است تا بایك خیزش وجهش وطنی برای تشکیل حکومت واحد ونیرومند اسلامی اقدام همه جانبه نمایم.

گذشته ها را کنار بگذاریم وبادرنظرداشت نکات زیر خویشتن را یار ویاور ملت سازیم:

١- اتفاق واتحاد را شعار خویش قرار دهیم.

٢- صلح وثبات وزنده گی مطمین رابرای همه ساکنین درکشور ایجاد نمایم.

٣- تعصبات لسانی، نژادی وقومی را ریشه کن سازیم.

٤-یك حکومت اسلامی نیرومند تشکیل دهیم.

۵- تمام احزاب اسلامی را منحل بعداً یك نظام اسلامی نیرومند را تحت یك پرچم واحد بوجود آوریم.
٦- تطبیق شریعت اسلامی رامطابق به خواست زمان توسط محاکم کشور رونق دهیم.
۷- یك اردوی نیرومند اسلامی ازهمه اقشار وطبقات ساکن درکشور تشکیل دهیم.
۸- قانون اساسی رامطابق به شریعت غرای محمدی وخواست ملت بوجود آوریم.
۹- قوماندانی امنیه را جهت تضمین امنیت عامه درشهرها قصبات کشورتشکیل دهیم.
۱۰- افراد متدین ومجاهد را درنظام اداری دولت مطابق به رشته تخصصی وتجربه کار آنها وا گذاریم.
۱۱- نظام اداری کشور رامطابق به روحیه اسلامی آماده نمایم ونظامات اداری قبلی راکه به میراث گذاشته شده است ازین ببریم. ۱۲-روابط دوستانه باکشورهای برادر وهمسایه وحفظ روابط نیك باکشورههای غیراسلامی مطابق به قوانین که برمبنای شریعت استوار باشد محکم سازیم.
۱۳- باتمام مسایل بین المللی درپرتو قرآن وسنت محمد(ص) برخورد نمایم.
١٤- اسلامی ساختن تعلیم وتربیه وبرای بهبود وانکشاف آن سعی به عمل آوریم.

۱۵-به فرهنگ اصیل اسلامی توجه مبذول نمایم.

۱٦- انواع واقسام کتاب های اسلامی را جهت تقویه بنیه فرهنگ اسلامی ازکشور های اسلامی وارد نمایم.

۱۷- آنعده ازکتاب های غیراسلامی که ذهنیت ملت رابسوی دیگر کشانیده ومیکشاند وقبلاً درکتابخانه ها وموسسات تحصیلی کشور جابه جا شده است ازبین ببریم.

۱۸- درمورد پخش جراید، روزنامه ها ومجلات توجه به عمل آوریم وکوشش نمایم تایك روزنامه بامزایای خوب که جوابگوی همه روزنامه هارا داده بتواند چاپ وبه دسترس هموطنان خویش قرار دهیم.

۱۹- زمینه کمك های بشردوستانه کشور های جهان به خصوص کشورهای اسلامی رادرجهت بازسازی کشورمساعد سازیم.

۲۰- مروری به سروی همه جانبه توسط یك کمسیون باصلاحیت ملی را سازمان دهیم.

۲۱- بررسی وارزیابی شهرهارا به خصوص درساحات جنگ زده روی دست گیریم.

۲۲- مواد خام تعمیراتی راجهت سهولت هموطنان تهیه نمایم.

۲۳- خط السیر ترافیك شهری را مساعد سازیم.

۲٤- نهال های زینتی رادراطراف جاده ها به غرض مقبولی شهرغرص نمایم.

۲۵- اعمار مجدد ساحات تخریب شده رامطابق به ماستر پلان

گرفته شده روی دست گیریم.

واقعاً اگر فتنه انگیزی های مخالفین نمی بود بعد از پیروزی انقلاب اسلامی کشور های جهان که زیریوغ مستبدان واستعمارگران حیات به سرمی بردند ازشجاعت ومردانگی مجاهدین افغان جرأت کسب نموده از فیوضیات جهاد برحق ایشان بهره کافی جسته و درسرزمین های شان بذر ایمان وباور به حقانیت اسلام ریشه می دوایند.

متآسفانه این عملکردهای غیرانسانی واسلامی جنگجویان چانس معنوی را ازکف ملت مجاهد پرور مادرربود درنتیجه جنگهای تحمیلی در زیر نقاب اسلام تصویر نادرست ومعکوس ازجهاد را در اذهان دیگران ایجاد نمودعلاوتاً ...

۱- بی اعتمادی دربین مجاهدین پیدا شد.

۲- ازهرحیث ملت مادر یکنوع حالت بی سروسامانی قرار گرفت.

۳- سرمایه مادی و معنوی ومهمات جنگی ونظامی که ازدشمن به غنمیت گرفته شده بود طی این جنگها کاهش یافت.

شاید هم از اهداف شوم دشمنان این بوده باشد که مجاهدین را درجنگهای خونین باهم مشغول سازند تا :

۱- درقدم نخست تصویر نادرست ازجهاد رابین مردم انعکاس دهند وبه مردم بفهمانند که اینست نمونه جهاد واسلام گری واینست نتیجه دعاها وختم های قرآن هر هفته یی شما به خاطر پیروزی مجاهدین .

۲- درقدم دوم آنچه از وسایل جنگی که از روس ها و وابسته گان شان به غنیمت گرفته شده بود. وقوای بشری که دراختیار دارند از بین برود .

تا بعداً بتوانند به خاطر آرام به نابودی ملت ما کمر ببندند واثری ازجهاد باقی نگذارند . از درون ملت را منفجر وبصورت گسترده و وسیع درهسته کلیدی وحیاتی کشورما دسترسی پیدا نمایند. وبادراز کشیدن دامنه کشمکش ها وجنگهای بیهوده نگذارند تامجاهدین دورهم کنار آیند وبه خاطر آینده ملت شان فکر نمایند.

جنگجویان که ازچنیل های مرموزی برای ورشکست ساختن انقلاب اسلامی وبی اتفاق ساختن مجاهدین رهبری می شدند باتکتیك های خاصی سیاسی آماده هرنوع همکاری برای باداران شان شده اند علاوه ازقتل وقتال ، چوروچپاول وکشتار بی رحمانه که از مظاهر شرك وخلاف جوامع بشری میباشد دست نبرداشته اسایش وامنیت را ازمردم رنجدیده ما سلب ، زنده گی را برای همه طاقت فرسا ومحیط کشور رابه شکل زندان بااعمال شاقه درآوردند.

هموطنان ما راآواره وحیات آنان را دستخوش خطرات وحوادث فلاکت بار گردانیدند.

ارکان ایمان وبنیان خداپرستی رادرهم ریختند ودین مقدس اسلام را ملعبه اغراض شوم وملوث بالوده گی های شرك نمودند وبا

اعمال غیرانسانی واسلامی شان ثمرات جهاد برادران مجاهد ما را متاثر ساختند.

گاهی اختلافات لسانی وگاهی هم منطقوی ونژادی را دامن زدند. شرایط جامعه راطوری آماده ساختند که اقوام ملیت های مختلف کشور همدیگر را به دیدهء شك وتردید بنگرند، اعتماد واخلاص متقابل در بین شان صدمه بیند که درحقیقت این اعمال شان کاملاً ماهیت ضد اسلامی وانسانی شانرا برملا میسازد.

این به همه معلوم وهویداست که در دوران جهاد هرملیت وهر قومی چه تاجك بود چه پشتون ، هزاره، ازبك،نورستانی، ترکمن و یاپسشه یی همه به نوبهء خود دربیرون راندن متجاوزین و دشمنان سهم گرفتندوقربانی های فراوان رامتحمل شدند. این بی انصافی خواهد بود که ازطریق سازش هاوتفرقه اندازیها همه افتخارات جهاد منحصر به یك تنظیم ، قوم ویا ملیت گردد. اگربخواهیم به ماهیت اصلی جنگ پی ببریم لازم است تافراز های ازحوادث مهم تاریخی راقبل وبعد ازپیروزی انقلاب اسلامی درکشور ازنظر بگذارنیم درخلال آن درمی یابیم که ...

چون کشور ما یك کشور کثیرالملیت بوده گاهی قدرت سیاسی بدست پشتون ها میبود وگهی هم بدست تاجك ها وزمانی هم ازهردو یکجا میبود.

هزاره ها ، ازبك ها ، ترکمن ها ، پشه یی ها ونورستانی ها که شامل اقلیت ها بودند تااندازهٔ ازحقوق حقه شان برخوردارنبودند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وبروزحرکتهای سیاسی درصحنه سیاسی ونظامی کشور دراثر سازشها ویافتها و اختلافات ذات البینی مجاهدین استفاده ازوقت اندیشمندان مذهبی وسیاسی این طبقات اقلیت که قبلاً توجه به این امر نداشتند زمینه را برای بدست آوردن حقوق پایمال شده شان مساعد یافتند.

مصلحت نفوذگران دراین بوده است تا نگذارند قدرت سیاسی همچو قبل بدست دوجمعیت بزرگ کشور(پشتون وتاجك) بیفتد اتفاقاً این تحولات درزمانی بوقوع می پیوندد که برخلاف گذشته ها این جمعیت ازاقلیت کشور ازطرف مجامع مورد نظر تابینی مسلح ویایك اندیشه نوین دردفاع ازحقوق حقه شان بااستفاده ازوقت نمایان میگردند.

وازجانب هم مقاومت وایستاده گی بی نظیر مجاهدین رادربرابر ابرقدرت جهانی دردوران جهاد به عنوان خطر بزرگ وسدی راه دربرابر رسیدن به اهداف شان پیش ازپیش لمس می نمودند واز بروز حرکتهای اسلامی درچنین مقطع زمانی وحشت برداشتند روی این ملحوظ درهم کوبیدن این حرکت نو به پاخاسته رابه هرنحو ممکن دربرنامه واستراتیژی اساسی خویش قرار دادند درقدم نخست طرح همه جانبه ای را درنابودی تشکیل وبسیج شدن همه نیروهای اسلامی پی ریزی نمودند.

قشرلاابالی وعیاش جامعه راکه همواره اسلام رابه عنوان مانع امیال شهوانی شان میدانستند تشکل وعلیه نیروهای اسلامی

بسیج وتاحد ممکن زمینه رابرای قلع وقمع نیروهای اسلامی وجلوگیری از فعالیتهای سیاسی آنان درظاهر توسط خود مردم وپشت پرده به کمك مزدوران حلقه به گوش شان فراهم ساختند. چون قبلاً استعمارگان همه گروه های سیاسی را تحت آزمایش قرار داده بودند ازجمله خلقی ها وپرچمی ها دراین تجربه ناموفق ازآب به در آمده بودندگروه های دیگری خورد وریزه که جمع شان بیشتراز(دوازده گروه) میرسددراین آزمایش موفق تر شناخته شدند. این گره ها نتنها ایمان به اسلام شان کامل نبود بلکه عداوت وکینه توزی خاصی نسبت به مجاهدین خصوصاً علما وروحانیون داشتند علت عمده این امر درآن بوده که بنیان گذاران آن گروه ها نسبت به داشتن ساحه دید تنگ دربرابر مردم وهم افراد این گروه ها ازبین اشرار وپست ترین اوباش ها انتخاب شده بودند که درصورت بررسی بیوگرافی هر کدام آنها این ادعا رابه اثبات میرساند.

جنایات این گروه ها درپرتو عملکرد های کلی آن طی سالهای آخیر وهمچنان شیوه های جهنمی وضد بشری واسلامی راکه درکابل وسایری ولایات کشور بکار برده بودند کاملاً نزد ملت روشن وآشکار است.

باکمال تأسف باید گفت که:

۱- ملت ما بسوی نابودی وتجزیه میرود.

۲- حیثیت ملی وبین المللی خود را ازدست میدهد.

## بسم الله الرحمن الرحيم

بعداز پیروزی مجاهدین همه چشم به انتظار بودند تا حکومت اسلامی جانشین نظام پوسیده کمونستی گردد. خرابی ها همه آباد ، شهر ها دوباره اعمار، شبکه های آبرسانی احیأ، سرك های ویرانه شده همه ترمیم، خطوط آهن احداث وصنایع برباد رفته دوباره ایجاد خواهدگردید.

دوازه های مکاتب وپوهنتون ها وتحصیلات عالی باز ومهاجرین افغان ازکشورها همسایه وسایر کشور های جهان بسوی وطن شان سرازیرخواهند شد.

دشمنان از پیروزی بزرگ مجاهدین درهراس افتادند تامبادا قوت های جهادی باسلاح های که خود داشتند وسلاح های که ازرژیم شکست خورده کابل بدست آوردند قوت بزرگ را چون پرچم دار بزرگ اسلام وآزادی قوی تراز دیروز درتعین سرنوشت منطقه وجهان تاثیر بزرگ بجا گزارند واز نفوذ قدرت های استثمارگر بکاهند. پیش ازاینکه شکست شانرا برملا سازند واز حکومت کنار روند به کمك مشاورین شان با استفاده ازتخنیك ائتلافبازی وسازشگری یکتعداد قوت های شانرا که گویا قبلاً ارتباطی با مجاهدین داشتند درداخل کمربند های دفاعی شهر متمرکز نمودند وشهروندان را به گروگان گرفتند درکوچه ها وپس کوچه ها مواضع دفاعی

۳- واحتمال آن میرود که سالیان درازی بادارایهایش درآتش جنگ بسوزد.

تهران نشینان تابع اراده ایران، شوروی نیشنان تابع اراده مسکو، پاکستان نیشنان تابع اراده پاکستان، هند نیشنان تابع اراده هندوستان وسایری کشور های غربی واروپای گردند بنظرینده هنوزهم درمقطع زمان سرنوشت سازی قرارداریم رهبران وقوماندانان جهادی چه در داخل کشور وچه درخارج کشور باید نخست ازهمه ازغرور وتعصبات که دامنگیر شان شده است خویش رارهانیده انعطاف پذیری رادرپیش گیرند وبدرگاه ایزد متعال ادای شکران نمایند. بیش ازاین تابع اراده ایران، پاکستان، چین، عربستان، ترکیه، تاجکستان، ازبکستان، هند، مسکو، امریکا وسایری کشورهای غربی واروپای نشوند.

تجربه سالهای اخیر ثابت کرد که اکثر رهبران وقوماندانان یا ...

۱- درمورد سیاست داخلی وخارجی کشور و واقعیتها واهداف سیاست جهانی صاحب معلومات کافی نبوده اند.

۲- ویاهم زیر تاثیر کشورهای وابسته وخواهشات نفسانی شان قرارگرفته اند.

بعدازپیروزی انقلاب اسلامی کسب قدرت وعظمت منحصر به یك تنظیم ویاقوم هیچ معنای نداشت درنظام اسلامی موجودیت اولی الامر، قوه مقننه ، قوه اجرائیه وقوه قضائیه واحد لازم است.

اولی الامر باید به اساس اهلیت انتخاب شود نه به اساس

قومیت، مذهب، نژاد وتنظیم.

میگذاشتید تاملت خود اول الامر راانتخاب میکرد. اولی الامر مکلیفیت داشت تادرتأمین عدالت، مساوات ، قانونیت و قبول مسولیت وظیفه ایمانی واسلامی خویش را ادا می نمود اگر چنین نمیبود آنوقت ملت حق داشت تا ازاو اطاعت نمی کردند، بعد ازپیروزی انقلاب اسلامی مجاهدین تنظیم های مختلف باید بلادرنگ تمام عواید نقدی را رسماً به خزانه دولت ، عواید جنسی رابه گدام ها وزارت مالیه ومهمات جنگی رابه رویت اسناد رسمی به سلاح کوت وزارت دفاع منتقل میدادند.

برای مصارف بودیجه بداخل یك تشکیل درچوکات وزارت دفاع تنظیم میگردیدند تعین قوماندان ، تعلیم وتربیه، سوق واداره قوتها وخدمات لوژستیکی ازطرف وزارت دفاع صورت میگرفت. قوای منظم از دلگی، بلوك، تولی، کندك ،غند، فرقه وقول اردو آماده میشد این قوتها بدوبخش محاربوی وحمایوی جدا میشد.

لازم نبود که قوماندان نشانزن ویا دریور خوب می بود. قوماندان درسوق واداره جزوتام ها وتعلیم وتربیه نظامی اهلیت ومهارت خوب میداشت.

آثاری ازجنگ بملاحظه نمیرسید.

اصلاً جنگ به خاطر چه ؟

چرا باید جنگید؟

کی درمقابل کی ...

ازاثر همین جنگهابود که‌نتنها شهرهای ما ویران گردید بلکه دراثر مهاجرت های اجباری، فقدان نفوس، بی ثباتی وعدم مصونیت تمام هست ونبود ما مورد دستبرد وتاراج قرار گرفت.

اگر بدقت توجه به عمل آید تمام دستگاه های صنعتی کشورما ازقبیل فابریکه های دوا سازی، دستگاه های نساجی، پشمینه بافی، دستگاه های ساختمانی ، دستگاه های سیخ گول، دستگاه های صنایع انفرادی ، عموم خدمات صحی وشفاخانه ها ، خدمات ترانسپورتی، مراکز تجارتی ومراکز علمی وفرهنگی همه تخریب وازبین برده شد تمام این تخریبات ناشی از جنگهای تحمیلی بود که بالای هموطنان ما تحمیل شده بود.

با ازبین رفتن سیستم ترافیکی، مراکز امنیتی، مراکز علمی وفرهنگی عامل بزرگ درتخلیه دستگاه های صنعتی وتجارتی پدید آمد. شهرها از ماهیت شهری اش برآمد وبا ازبین رفتن نفوس درشهرها تمام خدمات شهری برهم خورد. تخریباتیکه دراثر جنگهای لعنتی درکشور ما بملاحظه میرسد خشن تر ازآن تخریبات است که دراثر جنگهای اول ودوم افغان رخ داده بود. زیرا درکشور ما دیگر جای نمانده است که ازاثر جنگها آسیب ندیده باشد تقریباً ۹۰ فیصد دهات وشهرها هدف تخریب جنگ قرار گرفته است دشمنان ما با آن هم درچنین روزگار برکشور ما احساس خوشی مینمایند هیچ کسی نیست که ازحال وزار وزنده گی بی سروسامان این ملت رنجدیده چه درکمپ های داغ وسوزان وچه درنقاط مختلف جنگ

زده باخبری نماینم یکبار به کمپ ها سربزنند واز نزدیک حال واحوال مهاجرین وهموطنان ما را باخبر شونم.

فامیلهایکه دراثنای درگیری خویش را از ساحه کشیده نمی توانستند برعلاوه ازمال جان خویش رانیز ازدست دادند که دراثر حریق وآتش سوزیها تنها خانه های شان فرو می ریخت بلکه جسم وروان شان همچو هیزم جنگ میسوخت دود وآتش آن ساعت های طولانی هوا را تیره میساخت وآنچه که دراین آتش سوزیها میگذشت همان روح و روان ایشان بود وهمان جسم بیدفاع ایشان که برایشان چه میگذشت وچطور توان تحمل آنرا داشتند.

زنان ومردان مسن واطفال کوچك وصغیر قادر به فرار نبودند ودررگبار آتش جنگ قرا میگرفتند که راه نجات برایشان به هیچگونه مسیر نبود.

اگر قوتهای نظامی مجاهدین تحت یك پلان منظم وارد کشور می شدند سازشگریها وائتلافبازیها احد صورت نمیگرفت. یکی نمیگفت که منم ودیگری نمیگفت که منم :

١- کشور ما به این حالت نمیرسید.

٢-ناآرامی ، ترس و وحشت احدی سر نمیزد.

٣- حیثیت خلقی ها وپرچمی های شکست خوده دوباره اعاده نمیشد.

٤- جهاد درذهنیت هموطنان ما به شك وتردید انداخته نمیشد.

٥- باافراز پوسته های خورد وکوچك بنام این وآن قوماندان

درنقاط مختلف شهر قوماندان وقوماندان سالاری بملاحظه نمیرسید.
٦- اشخاص و افراد سرشناس مخالفین درپوست های مهم نظامی جابه جا نمی شدند.
٧- شخصیت ها وچهرهای مهم سیاسی ونظامی جهادی کشور ما ترور ویاهم ازوطن رانده نمی شدند.

به هرصورت البته این همه درتقدیر ملت رنجدیده ما بود که می بایست صورت میگیرفت، بانظر داشت مطالب فوق، تقاضای شرایط ووضع درکشور سوالاتی - دربرابر همه افراد کشور مطرح میشود. که باید به آن پاسخ ارائه کرد.
١- ادامه جنگ، خونریزی و ویرانگری.
٢- ویاهم انعطاف پذیری ولبیك گفتن به صلح وصفا که امر ورضای خداوند(ج) بوده وهمه تشنه آن اند.

درپاسخ به این سوالات قضاوت عادلانه ومسؤلانه نماید. خیر ملت وکشورتانرا مدنظر گیرید.

امروز ازهر روز دیگر مردم رنجدیده ما دراین لحظات تاریخی به وجدان پاك واحساس وطن دوستی شما هم از پشتونها، تاجك ها، هزاره ها،ازبکها، ترکمن ها، پشه یی ها و نورستانی ها خلاصه همه اقوام وقبایل به تمام آنانیکه ازدل وجان آرزو دارند که مردم ما خوشبخت وکشور ویران شده ما آباد گردد ضرورت احساس مینماید.

همه تشته صلح اند. طی جنگهای تحمیلی درکشور ماسیل اشك وخون جاری شد. زنان ، پیره مردان واطفال بیگناه به قتل رسیدند. مساجد ، مکاتب ، خانه ها ، باغ ها ومزارع همه طعمه آتش گردید،مردم ما همه محتاج ودربدر شدند فعلاً درزنده گی به سه چیزفکرمینمایند ...

۱- خانه برای امرارحیات.

۲- لباس برای پنهان نمودن سطح عورت.

۳- نان برای بقای حیات.

مردم ما ازجنگ و وحشت، رنج وعذاب بیکران خسته شده اند. پیوسته عزیزان شانرا به خاك سپاریدند. جنگ که ازگرفتن نامش احساس ناراحتی میکینم ثمره جزء قتل وقتال وبدبختی دیگر چیز ندارد به نفع ملت وکشور ما نیست.

جنگ برای مردم ما چه داد ...

- به عوض خانه قبر.

- به عوض لباس کفن.

- به عوض نان مرمی.

باید اینطور فکر نمایم که جان مردم ما جان ما، ووجودشان وجود ما وخون شان خون ماست، دست وپای آنان را باسلاح دشمن قطع ننمایم اولاد های شانرا یتیم وزنان شانرا بیوه وبدبخت نسازیم . سینه ای پاك برادران خویش را که مرکز وگنجینه مهر ومحبت است به گلوله سوراخ نسازیم.

اگر به فلسفه اصلی زنده گی دقت نمایم بخوبی درمی یابیم که خوشی وخوشبختی دراین نیست که آدمی بیشتر پول داشته باشد بیشتر بخورد ویاهم بیشتر تفریح نماید واز طروق حرام پول بدست آورد.

آنجا که محیط زنده گی فاقد انس والفت باشد اصل واساس آن بر پایه محبت گذاشته نشده باشد هرگز آنجا خوشبختی بملاحظه نمیرسد یعنی اصل زنده گی آرامش خاطر است که درآن راه محبت قلوب فراهم وفرشته محبت راه یافته توأم با آن صلح وصفا، آسایش و آرامش برقرار میگردد.

قطع خونریزی واستقرار صلح تلاش طبیعی است که مردم مارا به سوی زنده گی صلح آمیز وسعادت می برد. این تلاش بالاتر ازتمام تلاشهای دیگر است صرف همین امر باید شیوه تفکر مردم ما را تعین نماید.

این فکر عالی یگانه راه درست است. به این امر باور داشته باشیم که بسیاری ازمصیبت ها ومناقشات ناشی ازیك سؤ تفاهم میباشد.

زنده گی درکشورهای بیگانه به معنی نصف زنده گی است. آواره گی مراجعه به ادرات وانتظار در دفاتر حکام کشورهای خارجی بس است همه ما وطن داریم ما افغان هستیم افغانستان کشور ما است.

به صراحت گفته میتوانیم که جنگ ازجانب دشمنان بالای ما تحمیل شده است. دشمنان میخواهند تا مردم ما درزنجیرعقب

مانده گی اقتصادی وفرهنگی بسته نگهدارند. مشتی از خاینین ولاشی خوران کثیف درعقب این امر قرار دارند.

آنها علاقمند جنگ وبرادرکشی درکشور ما اند وبه هروسیله ممکنه آنرا ادامه میدهند زیرا جنگ برای آنها امکان ثروت اندوزی رامساعد میسازد.

این وقت است که مبارزه ما دراجتناب ازگناه ، هوا وهوس. خود خواهی وخود پسندی وگام گذاشتن به همه مفاسد اخلاقی واجتماعی جامعه عمل می پوشد درآنصورت میتوانیم پیشرفتهای مادی ومعنوی را قافله سالار ورهنما باشیم.

باید چنین گاه پر مسولیت رابرمبنای دیانت اسلام مبنی بر تأمین صلح باخواست همه جانبه دین مبین اسلام به امر والای منافع عالی مردم ونسل های کنونی وآینده عمل نمایم تا اساس این ابتکار تاریخی واسلامی را حفظ زنده گی درسرزمین افغانی ها تشکیل دهد.

انسانها خیر اندیش به این حقیقت ملتفت باشند که دین جامع اسلام آرزو دارد تا افراد بشر بدون هیچگونه تبعیض نژادی ومنطقوی وتعصب وبالاخره جدایی های دینی وملی زیر سایه صلح واسلام زیست باهمی نمایند.

همه گان ازحقوق طبیعی شان یکسان مستفید باشند فتنه وآشوب گری که اغلباً زاده بی عدالتی وعدم قناعت به حق وتجاوز به حق دیگران است ازبین برداشته دنیا را خانه تمام افراد وخود را

به حیث فرد خانواده شناسید. دست برادری باهم دهید همه علاقمند یکدیگر باشید برای همیش ازصلح واسلام پیشتانی نماید نه خود تان جنگ طلبی نماید ونه به آتش جنگ درکشور روا داری داشته باشید.

انسانها موجودات اجتماعی بوده به تنهای درمقابل حوادث ودشواریها مقاومت نمیتوانند ناگزیراند تا جهت تقویه بُنیه زنده - گی به همکاری همه گانی دست به دست هم نهند. احساس عاطفی وانسانی انگیزه دیگری است که انسانها نمی توانند دربرابر ناملایمات ورنج های دیگران بی تفاوت بمانند وبدون اتحاد وهمبستگی دریافت این راه نیك میسر نیست دین مبین اسلام ازاتحاد وهمبستگی زیاد تأکید کرده است بناً متفکرین وصاحب نظران فکر واندیشه نیز ازآن ستایش نموده تمام راه های شقاق ونفاق راباطل دانسته راه وحدت، برادری وبرابری را پیشکش مینماید.

بیشتر برای ایجاد فضای سالم دور ازفتنه وآشوب که محل کار مناسب درساختار واعمار وطن ویران شده تان است خواست شریفانه تانرا طرح وبه انجام عملی آن همت گمارید مصالحه ملی وآشتی سراسری که با اساسات دین مبین اسلام کاملاً موافقت دارد بایقین کامل تطبیق وعملی نمودن آن که ارمان مقدس شهدای بخون خفته ومردم رنجدیده ما را بر آورده خواهد ساخت هدف اساسی تان قرار دهید.

باقلب وسینه فراخ وحوصله مندی کامل درجهت احترام به

## از آثار های چاپ شده نویسنده :

1- نقش جوانان در شرایط کنونی جامعه سال ٦
2- روزه از دیدگاه دانشمندان اسلام وطب سال ۷
3- کمک های اولیه طبی سال ۸
4- طب و ورزش سال ۱۳٦۸
5- الکول دشمن مغز شماست سال ۱۳۷۳
6- عملکرد های مخالفین درادامه جنگهای تحمیلی سال ۱۳۷۳
7- مواد مخدره و اثرات سؤآن سال ۱۳۷۲
8- پیروزی کامل در رهبری سالم سال ۱۳۷٤
9- من به صلح و وطنم می اندیشم سال ۱۳۷۸
10- پرخوری یا خود خوری سال ۱۳۷۸
11- زن در جامعه اسلامی سال ۱۳۷۸
12- مبارزه با صحت از تنباکو تابه هیروئین سال ۱۳۷۸
13- ورزش درتأمین صحت و نیاز مندیها بدن سال ۱۳۷۸
14- ورساله حاضر سال ۱۳۷۸

ناشر : کتاب فروشی علامه ظهیر الدین فاریابی ،دوکان نمبر 3
رحمانیه مارکیت محله جنگی پشاور پاکستان
محل توزیع :کتاب و قرطاسیه فروشی فیروز، ارباب رود تهکال
بالا مقابل پسته خانه

کرامت انسانی این امر شریفانه را به دیده قدر نگریسته وبه خاطر قطع خونریزی ووبرادرکشی باهمه امکانات مجاهدت به خرج دهید.

امید که این مامؤل بزود ترین فرصت جامعه عمل پوشیده ایجاد فضای آرام دور از هرنوع ترس و حشت ودرد هایکه ازناحیه جنگ، برادرکشی، مهاجرت ها ودوری ازوطن وهزاران آلام ومصایب دیگر که بالای مردم رنجدیده ما عارضی گردیده است مرحم وتدوای شود. درنیتجه مردم ما درحصول این نعمت بزرگ خداوندی ورهایی ازچنین حالت بدرگاه خدوانده(ج) دعا نمایند خداوند را شکر گزار شوند تادعای شان بدرگاه اش مستجاب گردد وراهی را برای ایشان باز دارد تابه سرمنزل مقصود برسند.

درخاتمه به امید آن روزیکه سیلی ازمهاجرین بایك دنیا امیدواری به کشور شان عودت نمایند ومیگویم:

الهم اجعل التوفیق رفیقنا والصراط المستقیم طریقنا وارزقنا الخیر والعافیة برحتمك یا ارحم الراحمین.

واسلام.

احضار وبرخلاف تمام موازین اخلاقی همه جارا به صحنه جنگ نابود کننده مبدل گردانیدند.

هدف از ایشان دراین بوده است که‌استراتیژی نابود گردانیدن جهاد مجاهدین رابوسیله خود آنها درپیش گیرند وازجانب هم تمام دارائی های عامه را توسط خود آنها نابود سازند وبعداً به جهانیان وانمود سازنند که گویا قطعات نظامی شوروی بمنظور قطع خونریزی واعاده امنیت ملت ما خواسته شده بود نه به خاطر منافع ایشان.

اکنون خود ملاحظه نماید که بعد از واگزاری قدرت به آنها وحشت بر ملا گردید جنگهای داخلی هنوز هم شدت پیدا نمود حالاکی آنرا خاموش میکند؟

باچیده شدن گروپ های مسلح جنگهای خانه به خانه درهر کوچه وپس کوچه و روی بازار شیوع یافت وتدریجاً درزها وانشقاق گروپ ها روز به روز فزونی گرفت بخصوص سبقبت یك گروپ به گروپ دیگر سبب شد که جنگ کاملاً صحنه رویا رویی را به خود گیرد.

خانه های مسکونی همه دراثرنبردهای متواتر، راکت باریها وبمباردمان ها زیر آتش گرفته شد وبه ویرانه مبدل گردید چهره وسیمای اصلی شهر عوض گردید که همه شاهد آن هستید.

مراکز علمي، اداری، تجارتی، اقتصادی ومارکیت های شهر همه به تاراج برده شدکه درنتیجه پیروزی مجاهدین دراثر مداخله اجانب وعاقبت نااندیشی وعدم اتحاد واتفاق گروپ های مسلح مجاهدین ازتنظیم های مختلف به یاس ونا‌امیدی مجاهدین ومردم

عام مواجه گردید.

باشنده گان شهر زادگاه خویش را ترك وراه دیار مسافرت را درپیش گرفتند اکثراً روشنفکران ما را قبلاً وبعداً غربیها پذیرفتند وشرایط زنده گی خوبی رابرای ایشان مهیا گردانیدند درآینده اگر احیاناً درد ملت را احساس نکنند دیگر نیازی برگشت ندارند.

بعضی ها که ازاین چانس استفاده نکردندافسوس میکنندکه چرا ازاین چانس استفاده نکرده اند حالا دراین جنگهای نامعلوم وغیر مسؤلانه چه خواهند کرد ؟

مهاجرین داخل کمپ ها درکشور های همسایه ازآواره گی ودربدری به ستوه آمده اند ومی بینندکه باگذشت زمان شرایط زنده گی بالای شان تنگ شده میرود. بنده که مدت هشت ماه شده که مهاجرشده ام به چشم سر ملاحظه میکنم که هموطنان ما به یك حالت خراب زنده گی قرار دارند همه درمورد آینده شان جداً پریشان اند وبر طرز تفکر رهبران وقوماندانان تنظیم ها انتقاد میکنند ومی خواهندتا از این حالت به شکل از اشکال نجات یابند.

آنعده ازهموطنان ما که به کشورهای غرب مهاجر شده اند ازنیرو ومغزهای شان غربی ها استفاده مینمایند وعده یی که درکشور های همسایه اند کشورهای همسایه .

ازصدها مثال یك مثال را طوری نمونه یاد آور میشوم آن اینکه یك هموطن ما چه کراچی وانی میکند ویا جوالی گری ویاهم مردکاری درفابریکه ها ، درآمد فی ماه نزد ایشان بیش ازدوهزار

نخواهد بود قضاوت بدست شماست که بااین پول چه خواهند کرد ؟ کرایه خانه، موتر، گاز، برق ، آب وفیس مکتب اولادهای رابدهندویا مصرف خانه رابنمایندویرای بعضی ها که ازخارج کمك میشود وبلدنگها را به کرایه گرفته اند قبلاً هم آرام بودند وحالا هم آرام هستند برای ایشان مهاجرت وآواره گی اصلاً مفهوم ندارد عده یی را پول های خارج وعده یی را جنگها، بی اتفاقی وفاصله گرفتن مجاهدین ازهدف مشترك شان مست ساخته است وبه تبلیغات زهر اگین شان ادامه میدهند.

آن ویرانی ها وکشت وخون های که در دوران زمامداری کمونستان صورت گرفته بود وآنچه که بعد از آمدن مجاهدین بوقوع پیوست درهردو حالت آن کمونستان و وابسته گان شان سهم به سزایی دارند.

آنها چه بود که نکردند بی تفاوتی، بی احساسی دربرابر یك ملت رنجدیده وفشار های جنگ که خود آفروخته بودند همه وهمه جرمی بود نابخشودنی. کشور ما تراژیدی تأسف انگیز راپشت سرگزارنیدند کشتار دسته جمعی ، مهاجرت های کتلوی، معلولیت ها ومعیوبیت ها به پیمانه وسیع تقریباً دومیلون کشته، شش ملیون مهاجر، دوملیون معلول ومعیوب وبه همین پیمانه بیوه، یتیم وبی سرپرست وهمه آن تخریباتی که رخ داد جواب اش راکی خواهد داد ؟

اگر بخواهیم عملکرد های این مزدوران را به زبان قلم درآوریم

موی دربدن ما راست میشود گاهی عفت قلم اجازه نمیدهد وگاهی هم جرات نوشتن راازشخص سلب میسازد.

میخواهم دراین جا مروری مختصری از عملکرد های ایشان در زمان حکمروائی شان بالای ملت رنجدیده ما نمایم:

۱- جوانان ونوجوانان ما را به نسبت ارتباط داشتن با مجاهدین ناجوانمردانه قتل وترور نمودند.

۲- هرگونه امتیازات اجتماعی شانرا از نزد شان گرفتند.

۳- علما، روحانیون واستادان مدارس دینی را بصورت تدریجی اخراج ومجبور به ترك وطن ساختند.

٤- برای بدنام ساختن شخصیت های دینی ومذهبی کشور مقالات وکتاب های مختلف را بخش نمودند.

٥-صدها جلد کتاب های اصیل اسلامی را به عنوان کتاب های ممنوعه ازبین بردند.

٦- از ورود کتاب های اسلامی درکشور ممانعت به عمل آوردند.

۷- سیستم نشراتی کشور رامطابق به معیارات کمونستی عیار نمودند.

۸- مراکز نشراتی کشور را ازکتاب های الحادی واندیشه های ناسیونالستي و مارکسیستی پر نمودند.

۹- برای نویسنده گان تسهیلات خوبی را فراهم ساختند تابه نحوی در نوشته های شان به اسلام طعن بنویسند.

۱۰- نویسنده گان را درچاپ ونشر کتاب های غیراسلامی باکمك

های مالی تشویق وترغیب نمودند تاحدی که کتاب های مذکور به قیمت بسیار ارزان به همه میسر باشد.

۱۱- ایجاد فشار وپرابلم برای نویسنده گان ومتفکرین اسلامی بمنظور دلسرد ساختن وکناره گیری از فعالیتهای فرهنگی شان.

۱۲- سلب نمودن هرگونه تبلیغات دینی ومذهبی درمساجد وسایر جاهای تبلیغاتی وجهت دادن آن به نفع کمونیزم.

۱۳- منع پخش اذان را ازطریق رادیو وتلویزیون.

۱٤- ممانعت ازبستن دکان ها که به خاطربزرگداشت ویاد بود از پیشوایان دینی انجام میگرفت.

۱۵- انتشار وگسترش نشریات وعکس ها جهت انحراف ساختن جوانان ونوجوانان کشور.

۱٦- طرح وتطبیق فرامین هشت گانه.

۱۷- طرح وتطبیق اصلاحات ارضی برخلاف معیارات اسلامی.

۱۸- نمایش فلم ها ونشرات تلویزیون مغایر شریعت اسلامی.

۱۹- توسعه عیاشی ، قمار، رشوت وشراب خوری درکشور.

۲۰- مختلط ساختن مکاتب دختران وپسران.

۲۱- مساعد ساختن زمینه های فحشأ ومنکرات.

۲۲- ایجاد پارکها وخلوتگاه ها بمنظور جایگاه برای معتاد شدن جوانان به مواد مخدره وسایری فساد های اجتماعی.

۲۳- ازبین بردن هموطنان بی گناه ما ازطریق شکنجه ، اعدام وزندانی کردن های طویل المدت.

همین ها بودند که خونریزی وبرادرکشی را اساس گذاشتند روس ها را به کشور دعوت نمودند، دوشادوش روسها قراء وقصبات را به خاك وخون کشیدند، تغییرات قابل ملاحظه یی را درنظام اداری اجتماعی، اقتصادی وفرهنگی کشور بوجود آوردند، بی عدالتی ورشوت خوری را به اوج اش رسانیدند، شخصیت ، کرامت و حیثیت هموطنان مارا درربودند، بی ناموسی وصدها فسق وفسادهای اجتماعی را دامنگیرکشور ما ساختند، محافل شرابخوری، قصه خوانی، آوازخوانی وشب نشینی ها را به اوج اش رسانیدند بالاخره دخترها و بچه های جوان راجهت فراگیری مقررات کمونستی به کشور های کمونستی سرازیرنمودند.

تاآخرین توان شان دست از مقاومت برنکشیدن بالاخره دراثر ائتلاف وسازش گری رهبران وقوماندانان مجاهدین را فریب دادند وبااین حرکات شوم شان قیامت دیگری رابرپا داشتند.

برعلاوه — از ضربه یی برعزت ووقار جهاد ومجاهدین حماسه های جهادی وجاویدانی ملت قهرمان ما رابا خاك یکسان نمودند.

آتش جنگ دوباره شعله ور گردید خلاصه تمام کشت وخون ها وتخریبات که در دوران زمامداری ایشان صورت گرفته بود بنام مجاهدین تمام شد وخویش را بی گناه و وفادار به ملت تلقی نمودند.

جناح وجناح پرستي درد ملت را دوا نمیکند هرکسی به هر جناحی که وابسته هستید چه پروفیسور هستید ویا متخصص، داکتر باشیریاانجینیر، ژورنالست هستند ویا معلم، حقوق دان، ویا

اقتصاددان ویاهم نویسنده افغانستان ویران شده را آباد سازید.

راه چاره درآنست که به رسم افغانی تمام خصومت ها واختلافات سیاسی راکنار گزارید همه برای توسل به اهداف ملی خود را عیار سازید ودرآن راه حرکت نماید.

گر چه دست های خارجیان اینطرف وآن طرف وجود دارد ولی به طرز تفکر ومهارت سیاسی شماتعلق دارد که چطور مانع این دست ها شوید به جنگ های خانمانسوز خاتمه دهید. این را باید درك نماید که از کدام راه تحت چه شرایط وضع موجوده کشور را حل کرده میتوانید باید کاری انجام دهید که نسل های امروزی وآینده را خوشبخت ومرفه سازید به این اصل بایدقانع شویدکه همه ساکنین افغانستان که تابعیت افغانی دارنند همه افغان اند ایشان وقتی به زنده گی سعادتمند دست یافته میتوانند که همه خود را افغان بدانند وآله دست ایدیولوژیکی ، اقتصادی ونژادی بیگانگان قرار نگیرند.

بهترآنست تا طبق احکام قرآنی همه خود را برادر همدیگر قبول نمایم وملتفت باشیم که قوم پرستی ونژادپرستی در قرآن موجود نیست بلکه یك فرهنگ غربی است و برای جامعه ما بیگانه است باید به علم وتقوا ارج داده شود نه به قومیت ونژاد.

دشمنان نظر به هدایت وحمایت باداران شان پوست های حساس دولتی (نظامی وملکی)را ازشخصیت های مجرب ومسلمان پاکسازی نمودند ودرعوض خویش را جا به جا نمودند وبه نام این

وآن زمینه فرار وعودت ایشانرا از وطن مساعد ساختندتادرآینده میدان برای شان خالی بماند تا هرچه که بخواهند به خواست شان بکنند.

• اکثریت دانشمندان ومحقیقین وصاحب نظران ما را کشور های شرق وغرب با امتیازات فراوان پذیرفتند واکنون ترك وطن هنوز هم ادامه دارد آنها همه درمورد آینده شان جداً پریشان بودند وبرسر طرز تفکر سران تنظیم ها می اندیشدند بالاخره فرار را برقرار ترجیع دادند.

رهبران، قوماندانان وعموم مجاهدین که به خداوند(ج) وپیغمبر برحق اش سرور کاینات حضرت محمد(ص) ، قرآن پاك، شریعت نبوی، روز اخرت، حساب وکتاب، مکافات ومجازات، حق وباطل ، جنت و دوزخ ایمان دارند بازهم چرا ازاحکام خداوندی صریحاً سر می پیچند.

آیا احصایه کشته شده گان، معلولین ، معیوبین ، آنانیکه ضررهای مالی،آزار وشکنجه دیده اند حتی به ناموس وعفت شان تجاوز صورت گرفته است خبرندارند؟

آیا تعداد از هموطنان بی گناه ما که پیش وبعد از آمدن مجاهدین خواه در اثر جنگ وخواه دراثر برخورد های قومی ومنطقوی کشته میشوند، منازل مسکونی شان تخریب واموال شان به تاراج برده میشود ویا هم ازمرض وگرسنگی جان میدهند، از وطیفه برکنار میشوند به نام این وآن ازکشور رانده میشوند همین

# هموطن

بیا ای هموطن! این دم نوای گریه برداریم
برای لانه یی کز او پری نابود می خیزد
کجا پنهان کنم زهر ز جنگ آواره گان خود
که بوی تلخ کامی زشك خون آلود می خیزد

* * *

ای! مادرغم! مگو خزانت چون است
دامان دلت زگریه ها جیحون است
آواره ازآن دیار ویرانم من
کابش همه اشك وفرش خاکش خون است

* * *

بشکسته هوای روزگاری ازغم
آورده زمانه اقتدار درهم
پیچیده به ابر تیره شهباز وطن
بانور ستاره درسپهر ماتم

عبدالعلیم «ثاقب»
پشاور، خزان، ۱۳۷۸

# تقریظ

امروز مسله های وابسته به انسان افغان، پایان ستیزه جویی ها، کشتن وبستن، شکستن وترور معنوی شخصیت های آگاه وطن درمحراق توجه خاص وعام قرار دارد وسطح شناخت خودی وشناخت جامعه وآگاهی از حوادث وماجرا های که درسرزمین ما بوقوع پیوسته بلند رفته است وبه وضع مردم و وطن ما ازخود وبیگانه توجه مبذول میدارند وهریك از صلح وثبات درسرزمین با افتخار، تاریخ وفرهنگ کهنسال سخن میزند. یك مطلب رابایذ تذکر داد که درحلقه های فرهنگی وادبی وطن چنین معمول شده که کتاب واثر باید با ادبیات خیلی عالی واستعمال اصطلاحات و مفاهیم بلند بالا برشته تحریر درآید، آنچه که ازفهم ودرك اکثریت جامعه بدور است. قشرهای آگاه جامعه ما از هررشته ومسلك بیشتر به ادبیات کتبی رو آورده اند درحالیکه اکثریت ساکنان وطن ما به ادبیات شفاهی بلدیت دارند ونود فیصد نفوس کشور ما ازنعمت سواد بی بهره اند. بنابران کتاب ها وآثار نفیس یا درقفسچه ها به نمایش گذاشته شده ویادرحلقه های روشنفکری که شمار آن محدود است راه یافته است. امروز درکشورهای پیشرفته صنعتی هم کوشش می شود که سبك وشیوه نوشته ها ازقالب های کهن، فصل بندی

ها ، استعمال اصطلاحات کلاسیك ولغات وکلمات ناشناخته شده بیرون رود ونویسنده درلابلای جملات سلیس وساده، حرف آخر اش را بگوید.

جناب داکتر همایون اسلم زاده اززمره آن تحصیل کرده ها وفرد آگاه جامعه است که درپهلوی طب وطبابت، به نوشتن آثارهایکه مملو از برادری، همدلی، خیرخواهی وتنقید برگذشته، نارسایی ها ووخطاکاری ها واشتباهات دست زده است وبه همین شیوه تاحال چند اثر خود را بزیور چاپ آراسته ساخته است.

داکتر اسلمزاده درسرلوحه رساله اش، شعر نامدار ومعروف ملك الکلام ابومحمد شرف الدین سعدی رادرج کرده آنچه بر جبین تالار اجلاس عمومی سازمان ملل متحد هم نقش شده است وازکرامت انسانی، عدل واحسان دربرگ های رساله اش ازدرد والم ملت یاد میکند وبه قهرمانی ها ، قربانی ها وشهامت ملت افغان اشاره میکنند.

او میگوید: چگونه این ملت غیور وملحشور بساط امپراتوری سرخ را برچید امادریغ که ملت ما پس از فروپاشی آن تاهنوز درآتش کینه، تفرقه ومعرکه های بی مفهوم قدرت طلبی میسوزند، نویسنده به این نکته با افسوس ودریغ می نگرد که چگونه هموطنان ما چشم براه آزادی، آبادی ورفاه افغانها بودند اما افسوس ! حکمرانان مغرور در امور دولت داری وتشنه قدرت بجان هم افتیدند خانه وکاشانه مردم را به توپ وموشك وبم ها بستند،

سیمای شهرها را عوض کردند و حاصل زحمت افغانها را بخاك توده ای مبدل ساختند.

آقای اسلمزاده دراخیر برین نکته تأکید میکند که دیگربس است باید هدف های انسانی، اسلامی وملی را درپیش رو قرار داد، کارباهمی و همیاری راپیشه ساخت. ازبغض، کینه، انتقام جویی وخونریزی پرهیزکرد ودست بیگانه هارا از مداخلت درسرزمین افغانها کوتاه ساخت.

برای نویسنده این رساله که باسبك ویژه یك افغان درد دیده وشخص که لیل ونهار وتلخي روزگار رابه چشم سر مشاهده کرده وحرف دلش را درحدتوان برشته تحریر آورده موفقیت زیاد آرزو داریم ومطالعه این رساله را خالی ازمفاد نمی دانم به امید آنکه درقرن نو رنج افغان کاهش یابد ودریچه های نور رابسوی خود گشوده بینند به این شعر پرمعنی حضرت سعدی بسنده می کنیم:

دوران بقا چو باد صحرا بگذشت
تلخي وخوشي وزشت وزيبا بگذشت
پنداشت ستمگر که جفا با ما کرد
درگردن او بماند وبرما بگذشت

دوکتور حبیب الله «فرهمند»

بسم الرحمن الرحیم

## مقدمه

هموطنان عزیز:

خداوند مهربان را سپاسگزارم که به لطف ومرحمت اش بمن توفیق اعطاء فرمود تا دراین ماه پرفیض وبرکت، ماه دعا وحاجت (ماه مبارك رمضان) باوصف مسولیتهای طبی ام ودوری ازوطن دراین مقطع زمانی که ادامه این جنگهای خانمانسوز ولعنتی مجاهدین را ازهدف مشترك شان که همانا ختم جنگ وتامین صلح، امنیت واستقرار نظام اسلامی نیرومند میباشد فاصله میدهد و روز به روز شدت کسب مینماید بر آن شدم تانکات چندی از دردهای ملت رنجدیده خویش روی تحریر درآورده وبه گوش ایشان برسانم.

بنده سعی به عمل آورده ام تا نوشته های خویش رامطابق به معیار دانش وتجربه شخص ام ویا درنظر داشت ایجابات زمان تحلیل ، ارزیابی وابراز نظر نمایم. مطلوبم دراین نهفته است تا هموطنانم را آگاه سازم که دیگر جنگ بس است اگر جنگ ادامه یابد زحمات وقهرمانی های شما درطول جهاد وامتیازات دینوی واخروی شما به باد فنا خواهد رفت.

دشمنان درکشور ما تخم تفرقه را کاشته اند اما شما باید این

تخم را ازجامعه دور سازید نه اینکه به آن آب وکود دهید.

کوشش نمایید تا گردش حوادث را به نفع خود وملت تان برگردانید زیرا گردش زمان وعمل انسان دستاوردی است که بانفرت کردن و بدگفتن نمیتوان از آن نجات یافت.

قابل تذکر میدانیم که جهاد وپایمردی شما مجاهدین کرام و رهبران نتنها مورد احترام وستایش بنده بوده ومیباشد بلکه مورد احترام وستایش کافه ملت رنجدیده ما قرار دارد که نه تنها ملت ما بلکه درجامعه امروز بشری هیچکس نمیتواند شهامت ومردانگی شما رانادیده انگارند.

خداوند(ج) را شکر گزارم که به حکم رسالت خویش این اثربه زیور چاپ آراسته و درخدمت شما قرار میدهم.

ومن الله التوفیق

دکتور همایون اسلمزاده



# جنگ
# و
# آینده ملت ما

نویسنده :دکتور همایون اسلمزاده

سال۱۳۷۸ ه .ش



بعد از حمد وستایش خداوند(ج) ودرود برروان پاك سیدالمرسلین وبنده گان صالح آن ذات توجه شما سپاهیان اسلام را به چند نکته معطوف مینمایم.

اولاً به عرض میرسانم که بنده هیچگاه تنظیم پرست نبوده ونه به هیچ تنظیمی ازخالط لسانی ، قومی ومنطقوی تعهد به خصوصی دارم. باعقیده راسخ اسلامی که دارم به تمام قوانین اسلامی وفادار بوده وبه اساس همین عقیده اسلامی ام آنچه راکه میگویم ویا مینویسم ازملت وبرای ملت است.

ثانیاً به پیشگاه با ارزش وقیمت دار شما سپاهیان اسلام گستاخانه عرض میدارم اینکه ...

سرسپرده گان حق !

راه شما راه حق برباطل، راه اسلام، راه صلح وصفا، راه اخوت،

راه برادری وبرابری، راه آرامی واستقرار نظام اسلامی درکشور بود. اگر گذشته ها رابیاد بیاورید شما بودید که غم وخوشی، عید وبرات، زنده ومرده، گرمی وسردی را ازیاد برده بودید شب و روز دور ازفامیل با برادران خفته درسنگر تان می خوابیدید،شماها بودید که با پای برهنه وپیاده کوه های هندوکش وبابا را عبور میکردید وبه پاکستان می رفتید بعد ازگرفتن اسلحه ومهمات خویش را تا سواحل دریای آمو می رسانیدید.

اهالی هر منطقه به حیث مهمان بشما چای ونان میداد همه برای شما دعا میکردند واشك می ریختند وهر کسی به اندازه توان اش اعانه میدادند.

چه ایثاری بود وچه جسارت و رواداری! افسوس که این همه با موجودیت چند تفنگ بدست بی تجربه و گماشته شده ازکف ملت ما ربوده شد وجهاد را درحالتی قرار دادند، تاانگشت انتقاد همه در برابر آن بلند گردید.

برای قلع وقمع ملت ما چه جنایاتی نبود که مرتکب نشدند اصلاً راه راکه انتخاب نموده بودید بازنگشته تاپای جان ایستاده گی ومقاومت نمودند.

ولی کجاست آن چشم وآن وجدان پاك که خجالت بکشند که باز هم دراثر سازش گریها وائتلافبازیها به شکل مرموزی میخواهند دوباره این ملت رنجدیده را به خاك وخون بکشند وآخواست شان حکمروایی نمایند.

شما کسانی بودید که با دستان خالی مناطق مختلف کشورتانرا از چنگ اهریمنان جهانی و وابسته گان شان آزاد ساختید و سلاحی که ازایشان به غنیمت گرفتید سنگر های شانرا منهدم کردید. توانایی شما به جهانیان معلوم است. نهیب رعد آسائی شما خونین پنجه های افغانی است که دشمنان را درهرکجا خوار وذبون ساخت.

این طوفان شما بود که :

١- دشمنان را همچو هیزم خشك ودرنفس های آتشین تان تارومار نمودید.

٢- آن قوای مغرور وتابینی مسلح شوروی وقت را شکست ومجبور به ترك کشور تان نمودید.

٣- وحدت المان شرق وغرب تامین گردید.

٤- ویتنام شمالی وجنوبی به کشور واحد مبدل گردید.

٥- کوریای شمالی وجنوبی را مجبور به تفاهم گردانید.

٦- بودیجه مالی واقتصادی شوروی رابه خاك یکسان ساختید.

٧- تواتمندی مقاومت شوروی را دربرابر نیروی آمریکا ازبین بردید.

٨- درنظام سیاسی واجتماعی شوروی رخنه بزرگ را بمیان آوردید وبالاخره نظام کمونیزم را ازهم پاشیدید وهر ایالات آن را به کشورهای مستقل وآزاد مبدل گردانیدید و در شمار کشورهای آزاد هرکدام هویت سیاسی اش را احراز نمودند.

پس شما تا وقتیکه ایمان به خدا دارید وباسرهمان تعهد آغاز جهاد

با هیچ نیروی جزء خدا پیوست نشوید.

از جنگهای بی معنی وبیهوده دست بردارید. جنگ مردم ما را تباه ساخت. هزاران زن را بی شوهر، هزاران پدر ومادر را داغدیده ومحروم ازفرزند، اطفال را بی سرپرست، هموطنان ما را آواره ودور ازخانه وکاشانه ساخت، بهترین استعداد های مارا نابود وثروت های مادی ما را ازبین برد، اقتصاد کشور مارا خراب واطفال را ازرفتن به مکاتب وجوانان راکه مایه افتخار آیند کشوراند از رفتن به پوهنتون ها وتحصیلات عالی محروم ساخت،

بلی! بشر صرف برای ظلم وستم خلق نشده بلکه میشود کاری کرد که وجوداش منشه خیر ورحمت گردد.

جنگ یك چیز بی معنی، وحشتناك ، نفرت انگیز ومغایر طبیعت انسان است.

جنگ معنی دوزخ را میدهد دوزخ جای عذاب وگهنکاران است هیچکس طرفدار جنگ نیست همه به صلح جمعی نیاز دارند، اما برعکس اگر جنگ در راه حق، حفظ صلح ، تامین استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی وحفظ نوامیس ملی کشور مطرح بحث باشد کاری عاقلانه وخردمندانه است ونزد خداوند (ج) ثواب زیاد دارد.

همانطوریکه در دوران جهاد باایمان راسخ دربرابر دشمنان و دسیسه های آنان جنگیدید واز دوستان هم انتظار نداشتید صرف امید پیروزی حق برباطل راپشتوانه تان قرار دادید این امید را

تعقیب نماید.

شرایط کنونی جامعه جهت عادی شدن اوضاع داخلی کشور ابعاد وسیع را دربرابر شما قرار میدهد تا درامر عادی شدن وضع و استقرار صلح وامنیت که نیاز مبرم مردم ما را تشیکل میدهد سهم تانرا نسبت به قبل هر چه مستحکم تر ایفأ نماید.

به ندای برحق هموطنان تان عاقلانه وخردمندانه فکر نماید و گوش فراه دهید وبرخواسته های ایشان توجه نماید اثرات مثبت کار وفعالیت تانرا گسترش وبرعکس اثرات منفی آنرا اصلاح ودرچگونگی بهبود آن توجه لازم به خرچ دهید.

اسرار مهارت را درچگونگی اوضاع بدست آورید به پرابلم ها و مشکلات که امروز دامنگیر کشورما شده ورود حاصل نماید.

اشخاصی که درشرایط کنونی جامعه هیچ نوع مسولیتی را دربرابر مردم وملت ازخود تبارز نمیدهند آنها اشخاص توسو وبدبخت اند. شایسته نام افغان وافغانیت را درخود ندارند.

وطن که درداماں پر مهر ومجبت خود شما فرزندان ورزمنده گان شجاع را بزرگ ساخت همه نعمات وداشتنی های خود را به دسترس شما قرار داد. شما را درآغوش پرمهر ومحبت اش تربیه کرد امروز به کمك شما ضرورت احساس مینماید. ترس و وحشت را از خویش دور سازید ازتهدید غیر مستقیم وقیافه های حق به جانب دشمنان شناخته شده نه حرا سید. ایشان را به خود نزدیك نسازید زیرا به تکتیك های مرموزی خویش را بشما نزدیك میسازند

باید ایشانرا ظاهراً وباطناً درک نماید.

چهره های دلیر تانرا نباید دراثر سازش گریهای یک عده از عناصر فروخته شده ضعیف ودر روحیه رزمی و باایمان تزلزل ناپذیر تان تشویش خلق نماید.

آنانیکه تا آخرین قطره خون درتن رزمیدند حتی از زنده گی شان درمقابل جهاد وارمان آن گذشتند سلاح در دست ایشان با ایمان راسخی که داشتند تکان نخورد واحساس خستگی ننمودند داعیه برحق دفاع ازوطن را شعار خویش وشمشیر مقدس اسلام را به خاطر حفظ نوامیس ملی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی وتامین استقلال کشور ازغلاف برکشیدند همچو سپر درمقابل دشمنان درصف مبارزه وجهاد قرار گرفتند ایشان بهترین و گرامی ترین فرزندان کشور اند مردم آنان رامورد شفقت قرار میدهند.

کودکان معصوم ورنجدیده ما به عشق وعلاقه خاصی به چهره های ایشان نگاه مینمایند شجاعت ومردانگی شانرا درطول جهاد برحق شان ازنسلی به نسلی واز قلبی به قلبی مثابه خطرات حماسی فنا ناپذیر فرزندان کشور انتقال خواهند داد.

بیاید بیاد بیاوریم آن رسالتمندان ادیان «مذهب» مصلحان و دادگران را مانند انبیأ اکرام ومردان دیگر روز گاران که در جهت تامین صلح علیه فسق وفساد وتجاوزات درمبارزه بر حق برخاستند چطور درمقابل ظلم وستمگری ها درشرایط دشوار جامعه به مثل پایگاه قرار گرفتند که فعلاً از افتخارات ایشان امروز درجهان

# جنگ
# و
# آینده ملت ما

نویسنده: دکتور همایون «اسلمزاده»

سال ۱۳۷۸ هـ. ش

اسلام پند وعبرت میگیریم.

اشخاصیکه درجهان کارهای بزرگ وشگفت انگیز را به نفع صلح و دین مبین اسلام انجام میدهند این اعمال شان بربزرگی وتوانایی روح شان شاهدی میدهند. درمرحله عظمت درصف اول جای داشته وازسایری بزرگان جهان متماز ومقدم تر اند.

اندرین راه روحی چون کوه استوار، همتی چون آسمان بلند، حوصله چون دریا وسیع وازهمه مهمتر دلی از شوق لبریز وسری ازعشق پر شور درکار است این همه درنهاد کسانی بملاحظه میرسد که جهان را هر آنچه درآن است زیرپا گذارد وازسر منزل طبیعت تا سرحد حقیقت برسئر.

این مقام عالی واج کمال انسانی است شخصیکه به این مقام رسید افتخارش برای دیگران سرمشق کمال وگفتارش دستورفضلیت واخلاق باشد.

امروز چون برادر دربرابر هم بنشینید هرآنچه به دل دارید در برابر همدیگر بگذارید. شرایط کشور تانرا درگذشته، درحال ودرآیند مورد ارزیابی قرار دهید.

دردها، رنج ها، ناله، وفریاد بیوه زنان، اشك یتمان وکودکان معصوم، چادرهای سیاه بیوه زنان خلاصه ملك ویران شده تانرا آباد سازید.

به آه وناله یتیمان توجه نماید تا دیگر اشك یتیمان مان خاموش گردد وبه جای غم واندوه لبخند برلبان داشته باشند.

شما که هدف اساسی تان درجهاد مقدس ایجاد یك فضای آرام واسلامی وعاری ازجنگ وهرگونه وسوسه بود باید که این هدف تانرا تاتحقق کامل ادامه دهید.

اخوت اسلامی تانرا درهمه شؤن حفظ نماید ازنفاق انفگنی وکینه جویی که دشمنان درمیان تان دامن می زنند دوری جوید. سعی ورزید که زنده گی جمعی را دربین مردم تان رونق دهید تا همه درفضای مملو ازاخلاص وصمیمت زنده گی نمایند.

ازکشتار ناحق هموطنان تان دست بردارید بگذارید تاجزای دشمنان را خداوند(ج) خود تعین نماید.

ازجان ودل دستورات اسلامی را عملی نماید آینه ضمیر وباطن تانرا ازغبارهر نوع سؤتفاهمات پاك گردانید.

یار ومددگار همدیگر باشید باشرایط موجوده کشور دست وپنجه در دهید. علیه دشواریها غلبه نماید آرامی سراسری را شعار تان قرار دهید، راه حق را درپیش گیرید میان نور وظلمت ، حق وباطل فرق گذارید.

نزد خداوند متعال دعا نماید. خداوند(ج) راشکر گزار شوید تادعای تان به درگاه اش مستجاب گردد راهی را برایتان باز دارد تا به سر منزل مقصود برسید.

وسلام

## نکات پیرامون صلح :

صلح الترانتیف جنگ بوده وجنگ پدیده است بی معنی، وحشتناك، نفرت انگیز ومغایر طبعیت انسان،بر خلاف صلح ...

۱- ندای ملکوتی وآسمانی بوده وبرای جامعه انسانی حیات بخش است.

۲- آلام زخم های خنجر مخالفت های جامعه را تسکین میبخشد.

۳- زخم های ناشی از کدورت ها وعداوت ها را التیام می بخشد.

٤- یك نعمت خداوندی بوده که درپرتو آن جوامع بشری می تواند از بدبختی ها نجات یابد.

٥- درشرایط صلح زمینه تعلیم وتربیه، کار وزنده گی به همه مهیا میگردد.

٦- زمینه حسن روابط بین اقشار مختلف جامعه را مساعد میسازد.

۷- جلو قتل وقتال، چور وچپاول ، برادرکشی وجنگ وجدال را میگیرد.

۸- درشرایط صلح احساس سلامتی وتوقع برخورد مسالمت آمیز مساعد میشود.

۹- بزرگترین مایه سعادت درعرصه حیات وزنده گی میباشد.

۱۰- درشرایط صلح افراد آن جامعه مورد عفران وعطوفت کبریائی قرار میگیرد.

۱۱- فتنه انگیزیها وشرارت ها را ازبین می برد.
۱۲- حقوق پایمال شده ملت را دوباره اعاده میسازد.
۱۳- شرایط زنده گی راازتاریکی ها وبدبختی ها دورنگاه میدارد.
۱٤- پدید آور روشنائی عدل وانصاف میباشد.
۱٥- تبعیض نژادی، لسانی ومنطقوی را بکلی ازبین میبرد.
۱٦- کشمکش های فامیلی را تاسطح حل منازعات قومی وملی برطرف میسازد.
۱۷- مسلمانان را به وحدت وهمبستگی واصلاح ذات البینی می طلبد.
۱۸- زمینه آشتی وحسن تفاهم را مساعد میسازد.
۱۹- فضای آرام وزیست باهمی را ایجاد می نماید.
۲۰- زنده گی وعدالت اجتماعی را تأمین میسازد.
۲۱- انسانها را ازاعمال زشت وناپسند باز میدارد.
۲۲-دلها را باهم نزدیک، مهر ومحبت را بوجود میآورد.
۲۳- بدبختی ها، تباهی، سیه روزی، فلاکت وصدها مصیبت دیگر را ازبین مبرد.
۲٤- صحت وسلامتی، ترقی وشگوفانی رانصیب افراد جامعه میسازد.
۲٥- حق حیات ومحیط زیست را به همه یکسان مساعد میسازد.
۲٦- برای افراد جامعه آب حیات بوده که درسایه آن می توانند به خواسته هایشان برسند.

۲۷- انسانها را ازسیاهی ظلمت وشروفساد شیطانی نجات میدهد.

۲۹- تساوی حقوق همه ملیت های ساکن درکشور را فراهم میسازد.

۳۰- درشرایط صلح ادای مناسك ومراسم مذهبی خوبتر صورت می پذیرد.

۳۱- درشرایط صلح عقب مانی ها ، محرومیت ها و مایوسی ها ازبین میرود.

۳۲- موجبات آسایش ، آرامی واطمینان کامل به زنده گی آبرومندانه را فراهم میسازد.

۳۳- باشنده گان کشورما را که قبلاً ترك دیار کاشانه کرده اند جرئت می بخشد تا دوباره به دیار شان برگردند.

۳٤- درشرایط صلح هموطنان ما بخاطر جمع واطمینان کامل میتوانند پروگرام های ساختمانی وعمرانی وطن شانرا عملی نمایند.

۳۵- درشرایط صلح پروگرام های بازگشت مجدد مهاجرین صورت می پذیرد واز زنده گی فلاکت بار کمپ های پاکستانی وکشورهای دیگر نجات می یابند.

قدرتمندان منطقه!

بگذارید تا افغان ها خود باهم تفاهم نمایند تقاضی من ازشما اینست که شما صرف ازلحاظ کرامت بشری در مورد ملت ما بی اندیشید وازمعامله گری با افراد ، اشخاص وگروه های مورد نظرتان دست بردارید بمنظور حفظ منافع تان درامور داخلی کشور جنگ زده ما ازمداخله غیر مشروع دست بردارید وبه آتش جنگ و کشتار هموطنان بی گناه ما هیزم نگذارید.

شما همه خیلی آسیب پذیرید، هرکسی که دروطن ما شعله های آتش را بیافروزد، این شعله ها هست ونیست آنها را خواهد سوزانید.

## معرفی کتاب


نام کتاب : جنگ و آینده ملت ما

نویسنده : دکتورهمایون اسلمزاده

کمپیوتر ودیزاین : بنائی کمپوزینگ

تیراژ : ۲۰۰۰ جلد

سال چاپ : ۱۳۷۸ هـ. ش / ۱۹۹۹ع

هموطن گرامی !

این را باید درک نموده باشید که درراه پیروزی وناکامی شما ملت نقش اساسی داشت. همین ملت بود که برای پیروزی شما بیش از دو میلیون قربانی ، پنج میلیون مهاجر ، صدها هزاریتم ، بیوه ، معلول ومعیوب داد.

آیا آن همه برای این بود تا شمابدون رعایت اراده اکثریت مردم حاکمیت نماید وبه خاطر کسب قدرت کشور تانرا به میدان بزکشی مبدل گردانید. هموطنان تان را آوره و دور از وطن سازید تا از گرسنگی ،قحطی، مریضی و دربدری جان دهند.

هرگاه چنین مفکوره را داشته باشید سخت مرتکب گناه میشوید.

برادران هموطن !

آیا گاهی این را فکر کرده اید که چرا می جنگیم وبخاطر چه ؟ سرنوشت ملت وجهاد ما چه خواهد شد؟

آیا ملت همین آرزو را ازشما داشت که دراثر سؤتفاهمات وکشمکش های درونی تان اطفال، پیره زنان وپیره مردان ازگرسنگی وقحطی جان دهند معلول و معیوب شوند، خانه های ایشان ویران، همه آواره ودربدر شوند و کشورشان به میدان بزکشی مبدل گردد دشمنان داخلی و خارجی تماشای ایشانرا نمایند؟

برادران هموطن!

اگر متوجه شده باشید همانطوریکه خشت به خشت بافت می خورد دیواری ازآن آباد میشود اگر یک یک خشت ازاین دیوار دورگردد عاقبت الامر دراثر برهم خوردن بافت های آن دیوار چپه ویا هم اثری از آن باقی نخواهد ماند.

شما همچو دیواری بودید که به هم بازو داده بودید وانقلاب اسلامی را به ثمر رسانیدید. پس اگر دشمنان با استفاده ازبحرانی ساختن وضع کشور، تغیر قیافه، سازشگریها و ائتلافبازیهای تکتیکی وسیاسی یک یک ازشما را توسط جنگ ویاهم ترور ازبین ببرد آیا سرنوشت شما همچنان آن دیوار نخواهد شد؟

آیا شما درحق ملت و وطن تان ظلم نمی کنید؟

آیا شما خود وطن تانرا هنوز هم ویران نمی سازید؟

بسم الله الرحمن الرحيم

# اهـدأ

به آن مجاهدین ودلیر مردان افغان گمنامی که ازخون
شان تیر شدند وشجاعانه دربرابر منافقین وتجاوزگران
وطن رزمیدند ودر راه خدا وزمین خدا
سرهای شانرا قربان کردند.

بنی آدم از اعضای یکدیگر اند
که در آفرینش زیك جوهر اند
چو عضو بدرد آورد روزگار
دیگر عضو ها رانماند قرار
توکز محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهند آدمی
(سعدی)